

عوامل موثر در انتخاب رژیم ارزی

دکتر احمد تشکینی، عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

ایران

انتخاب رژیم ارزی و نتایج حاصل از آن جزء مقولات مهم حوزه اقتصاد بین الملل کشورها محسوب می شود، هرچند این اثرات محدود به متغیرهای بخش خارجی نبوده و سایر عوامل داخلی را نیز تحت تاثیر قرار می دهد. براین اساس نوشتار حاضر در صدد پاسخگویی به چهار سوال اصلی است. اول آنکه انتخاب رژیم ارزی به کدامین عوامل بستگی دارد؟ دوم آنکه انواع رژیم های ارزی و ویژگیهای آنها کدامند؟ سوم آنکه رژیم ارزی اقتصاد ایران کدام است و آیا متناسب با ویژگیهای آن می باشد؟

در پاسخ به سوال اول می توان بیان داشت که بطور کلی انتخاب رژیم ارزی مناسب به عوامل متعددی همچون «میزان باز بودن اقتصاد کشور برای فعالیت تجاری و جریانهای مالی»، «ساختارهای تولیدی و صادراتی»، «میزان توسعه یافتگی بازارهای مالی»، «سابقه تورم در کشور»، «جایگاه اولویت های تجاری برای سیاستگذاران در مقایسه با اهداف سیاسی آنها»، «شرایط سیاسی کشور» و «میزان اعتبار سیاستگذاران و موسسات» بستگی دارد. براین اساس بدلیل تفاوت کشورها نمی توان رژیم ارزی ایده آل یکسانی برای تمام کشورها در نظر گرفت. به علاوه رژیم ارزی مناسب برای کشورها در طول زمان تغییرپذیر بوده و می تواند با تغییر شرایط اقتصادی آن کشور تغییر کند.

در پاسخ به سوال دوم باید عنوان کرد که بطور کلی رژیم های ارزی در چهار گروه «رژیم های شناور»، «رژیم های میانی»، «رژیم های میخکوبی نرم» و «رژیم های میخکوبی سخت» قابل دسته بندی می باشند. گروه اول رژیم شناور است که ضمن ایجاد حداکثر انعطاف پذیری، اجازه می دهد نرخ ارز بصورت آزادانه در بازار توسط عرضه و تقاضا تعیین شود. این نظام ارزی برای کشورهای صنعتی بزرگ و متوسط، اقتصادهای نوظهور ادغام شده با بازارهای سرمایه جهانی، دارای تولید و تجارت متنوع و برخوردار از بخش مالی گسترده مناسب است. از مزایای این رژیم ارزی می توان به سهولت در جذب شوک های منفی و مثبت، دارای استعداد و زمینه اندک برای ایجاد بحران های پولی و عدم نیاز به ذخایر ملی بالا و از معایب آن به نوسانات زیاد در کوتاه مدت و امکان جهت گیری تورمی سیاست های پولی اشاره داشت. دسته دوم رژیم های میانی است که در آن سیاست های پولی نسبتا آزادانه بکار می روند و مقامات پولی بصورت فعال در بازار ارز خارجی مداخله می کنند. این رژیم در اقتصادهای نوظهور و برخی کشورهای در حال توسعه با بخش مالی نسبتا قوی تر و دارای انضباط در سیاست های کلان اقتصادی کاربرد بیشتری دارند. از مزایای این نظام ارزی می توان به جذب بخشی از شوک های منفی بدلیل انعطاف پذیری محدود، توانایی حفظ ثبات اقتصادی و رقابت پذیری تحت معتبر بودن رژیم و آسیب پذیری پایین در مقابل بحران های پولی تحت وجود دامنه نوسانات انعطاف پذیر و از معایب آن می توان به عدم شفافیت بدلیل مشخص نبودن معیارهای مداخله در شناور مدیریت شده و نیاز به ذخایر ملی

بالا اشاره داشت. گروه سوم رژیم میخکوب نرم است که در آن نرخ ارز یا بصورت دوره‌ای و بر مبنای برخی شاخصها تعیین می‌شود (یا مجاز به نوسان در داخل یک نوار باریک و در اطراف یک نرخ میخکوب ثابت مرکزی رسمی است). این گروه از رژیمها برای کشورهای در حال توسعه دارای ارتباطات محدود با بازارهای مالی جهانی و دارای تنوع کم محصولات و ساختار صادراتی توسعه‌نیافته (که با فقدان انضباط پولی و یا سطح بالایی از تورم ثابت مواجهند) مناسب می‌باشد. از مزایای این نظام ارزی می‌توان به توانایی حفظ ثبات و رقابت پذیری تحت معتبر بودن رژیم ارزی، نرخهای بهره پایین، فراهم سازی شرایط نظارت آسان تر و شفاف- تر بر لنگر اسمی سیاست پولی و امکان کاهش تورم برای کشورهای دارای تورم بالا از طریق تعدیل انتظارات تورمی و از معایب آن می‌توان به استعداد ایجاد بحرانهای پولی (در صورتیکه اقتصاد کشوری به روی بازارهای مالی سرمایه بین‌المللی باز باشد)، نیاز به ذخایر ملی بالا و ظرفیت پایین در جذب شوکها اشاره داشت. گروه آخر نیز رژیم میخکوبی سخت است که در آن پول داخلی فقط معادل ارز خارجی منتشر می‌شود و یا پول رایج یک کشور خارجی در معاملات بکار برده می‌شود (این رژیم دارای حداکثر ثبات و اعتبار برای سیاست پولی است). این رژیم برای کشورهای با سابقه اختلالات پولی، تورم بالا و اعتبار پایین سیاستگذاران (که نیاز به یک لنگر قوی برای ثبات پولی دارند) مناسب می‌باشد. از مزایای این نظام ارزی می‌توان به ایجاد حداکثر اعتبار برای سیاستهای اقتصادی، توانا در تسهیل کاهش تورم، نامستعد برای بحرانهای پولی، هزینه‌های مبادله پایین و نرخ بهره باثبات و پایین و از معایب آن می‌توان به احتمال بالا برای بروز بحران نقدینگی و عدم وجود قدرت جذب شوکها اشاره داشت.

در پاسخ به سوال سوم ضمن استناد به قوانین برنامه چهارم و پنجم توسعه نظام ارزی کشور شناور مدیریت شده می‌باشد. همانطور که اشاره شد این نظام ارزی برای کشورهای صنعتی بزرگ و متوسط، اقتصادهای نوظهور ادغام شده با بازارهای سرمایه جهانی، دارای تولید و تجارت متنوع و برخوردار از بخش مالی گسترده مناسب است. تطبیق واقعیات اقتصاد ایران همچون تک محصولی بودن و وابستگی به نفت، عدم توسعه بازارهای مالی و عدم پیوند با بازارهای جهانی مالی و ... از شواهد عدم برقراری پیش‌نیازهای اجرای نظام ارزی شناور مدیریت شده می‌باشد. ضمن آنکه بخش عمده‌ای از درآمدهای دلاری کشور ناشی از صادرات نفت و گاز بوده که بطور انحصاری در اختیار دولت می‌باشد. به عبارت دیگر تحت شرایط سهم نسبتا پایین درآمدهای حاصل از صادرات غیرنفتی بکارگیری سیاست ارزی شناور مدیریت شده با واقعیات تئوریک سازگار نمی‌باشد (کما اینکه آنچه در عمل نیز در بازار ارز اقتصاد ایران در حال اجراست نظامی غیر از شناور مدیریت شده است).